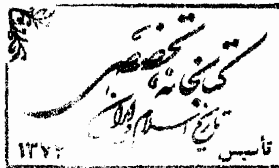
فرهنگ عامه
۲۰

سفری به ایران

مجموعه‌ای از نقاشی‌های لوئی امیل دوهوسه
از مناظر و مردم ایران
۱۲۳۶-۱۲۳۸

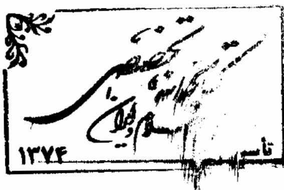


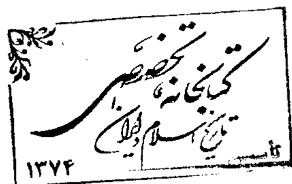
انتشارات بنیاد فرهنگ ایران



به فرمان

شاهنشاه آریامهر





بنیاد فرهنگ ایران

ریاست افتخاری

علیاحضرت فرح پهلوی شهبانوی ایران

نیابت ریاست

والاحضرت شاهدخت اشرف پهلوی

آداب و رسوم و عقاید و عادات اقوام و ملل نمایندهٔ شیوهٔ تفکّر و خصوصیات ذهنی ایشان است و روحیّهٔ خاصّ هر ملّت را از مطالعه در این امور می توان دریافت.

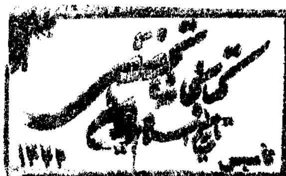
از این رو «بنیاد فرهنگ ایران» که تحقیق در مسائل مربوط به زبان و ادبیّات و تاریخ و هنر ایران را بر عهده دارد مطالعه و پژوهش در این رشته را نیز در برنامهٔ کار خود قرار داده است. در این زمینه آثاری که منتشر می شود دو نوع است: یکی طبع و نشر کتابها و رسالاتی که در این باب تألیف شده و نسخه های خطّی آنها موجود است. دیگر تحقیق در آنچه امروز در شهرستانها و آبادیهای ایران نزد عامّهٔ مردم جاری و معمول است و اعتقادات و آداب و رسومی که از زمانهای کهن سرچشمه گرفته و هنوز باقی و زنده مانده است.

کتاب حاضر که مجموعهٔ طرح ها و نقّاشیهای مربوط به ایران و بعضی کشورهای همسایه در صد سال پیش است نمودار برجسته و قابل توجّهی است از دورنمای شهرها و بناهای تاریخی و لباسهای زنان و مردان و وضع سلاح و جامهٔ سپاهیان و آلات موسیقی و ترتیب نگار و جامه های رسمی رجال و درباریان در یک قرن پیش و چون طرّاح و نقّاش، عالم نژادشناسی نیز بوده است چهره ها را با دقّت خاصّی از نیمرخ کشیده تا برای تحقیقات علمی در این رشته نیز سودمند واقع شود، از این روی دانش جامعه شناسی ایران از این اسناد گرانبها استفادهٔ بسیار می تواند برد.

بنیاد فرهنگ ایران امیدوار است با انتشار این سلسله که «فرهنگ عامّه» خوانده می شود زمینه ای برای تحقیقات علمی دربارهٔ جامعه شناسی ایران فراهم آورد.

دبیر کلّ بنیاد فرهنگ ایران
دکتر پرویز ناتل خانلری

فرهنگ عامه «۳»



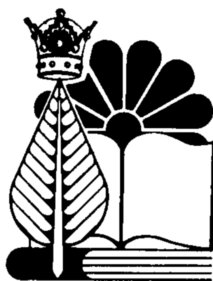
سفری به ایران

مجموعه ای از نقاشی های لوئی امیل دوهوسه
از مناظر و مردم ایران

۱۲۳۸-۱۲۳۶

از مجموعه

منوچهر فرمانفرمائیان



بنیاد فرهنگ ایران

«۵۴»

سفری به ایران

چند سال پیش، دریکی از روزهای بارانی پاریس که برای گذراندن وقت مشغول تماشای کتاب‌های یك مغازهٔ کتاب کهنه‌فروشی بودم، در میان توده‌ای از اوراق چاپی فرسوده و گردآلود چشمم به چند قطعه نقاشی اصلی افتاد که به غلط داخل آن اوراق چاپی شده‌بود وظاهراً به مجموعهٔ تصاویری که برای تدوین رساله‌ای راجع به‌ایران کشیده و بعداً دستخوش پراکندگی گردیده تعلق داشت. بی‌اختیار یکی ازاین نقاشی‌هارا برداشته درروشنی پنجرهٔ باران خوردهٔ کتابفروشی بیشتر درآن دقیق شدم ولطف وزیبائی سحرآمیز آن مورد اعجاب من‌گردید فوراً تمام نقاشی‌ها را از میان کاغذهای فرسوده جدا ساختم و درآنها دقیق شدم . هر یك از آنها نمایندهٔ نمونه‌ای از طبقات مختلف مردم و صحنه‌های زندگانی عادی دیروز کشور ما را مجسم می‌ساخت که به‌کمال امانت ودقت ومهارت ترسیم یافته بود و بامشاهدهٔ آنها پی‌بردم که به‌آثار فراموش شدهٔ گرانبهائی دست یافته ام

این نقاشی‌ها که به قلم یك افسر گمنام ارتش فرانسه کشیده شده است، دارای دو خصلت متضاد می‌باشد که کمتر درآثار دیگران دیده می‌شود . از یك‌طرف نمایش مستندی است که کلیه جنبه‌های علمی درآن ملحوظ شده واز طرف دیگر اثرات خلاقه وعواطف لطیف هنرمند که مستقیماً از زندگی الهام گرفته درآنها هویداست .

این نقاشی‌ها متعلق به‌اواسط قرن نوزدهم میلادی یعنی زمانی است که تحول بزرگی در تاریخ هنر پیدا شده و هنرمندان جهان اطراف خودرا از دیدگاه علمی نگریستند و مشاهدهٔ حقایق عادی زندگی از دید عاطفی ودرعین حال علمی گسترشی انقلابی در هنر به وجود آورد و عوالم جدیدی پدیدار گشت که‌ما امروز اهمیت آن را درك نمی‌نمائیم زیرا این عوالم جزء زندگی عادی و روزمرهٔ ماشده است ولی درآن‌زمان این دید عینی جدید توجه هنرمندانی را که دارای استعداد سرشاری بودند به‌خود جلب کرد و با روشی خلاقه وجالب که خالی از لطف و زیبائی نیز نبود دنیای تازه‌ای در هنر پدیدآورد .

پی‌بردن به‌این نکته که هنرمندی با آن همه نبوغ در چنان زمانی به‌ایران آمده و اوضاع ایران آن روز را در معرض دقت وتوجه ما قرار داده و در نمایاندن آنچه دیده واقع‌بینی و حساسیت را توأم ساخته است دارای اهمیتی غیرقابل انکار می‌باشد .

در آن هنگام نام دوهوسه بکلی برمن مجهول‌بود واکنون نیزکه سال‌هاست درجستجوی آثار او در هرگوشه‌که سراغ کردم کوشیده‌ام واطلاعات ممکن‌را دربارهٔ او در فرانسه و ایران گرد آورده‌ام باز تاریخ زندگانی او چندان روشن نیست .

معهذا در اثر آنچه بدست آمده است کلیاتی از زندگی او در اینجا بیان می‌شود .

لوئی‌امیل دوهوسه در روز ۱۸ آوریل ۱۸۲۳ در زمان سلطنت لوئی هیجدهم در پاریس چشم به‌دنیا گشود ودر ۱۹ سالگی وارد یکی از مدارس نظام گردید ودر بیست و یک‌سالگی با درجهٔ افسری وارد خدمت ارتش فرانسه شد .

اطلاعات مختصری که از زندگی شخصی و اداری او در دست است معلوم می‌دارد که سربازی استثنائی‌بوده ومانند یک‌سرباز زندگی صحرائی‌را دوست می‌داشته و خشونت‌های اردو را باروح انضباط تحمل می‌کرده واز جنگ وشکار احساس لذت ونشاط می‌نموده‌است، در علم اسب شناسی به‌مقام اجتهاد رسیده وتاآخر عمر نسبت به‌این حیوان دوستی عمیقی داشته است . ولی چون زندگی ارتشی تنهارا یکنواخت یافته هم‌خودرا به هنر وعلم‌که درآن ایام موردتوجه روشنفکران بوده معطوف ساخته است ودر این رشته‌ها نه‌تنها به‌تماشا وحظ نفس اکتفا ننموده بلکه تا جائی‌که خدمات افسری به او اجازه می‌داده است شخصاً وعملاً به اصطلاح وارد گود شده است. دوهوسه سربازی است با فکرمستقل و دانش پژوه که آن را با روح هنرمندی و احساسات عالیه توأم ساخته است .

پدرش هیچ شکی نداشت‌که پسرش شغل ارتشی را برای خود انتخاب خواهدکرد،چون در یک خانوادهٔ نظامی به‌دنیا آمده بودکه در حدود دویست سال به پادشاهان فرانسه خدمت‌کرده بودند و از سنت‌های خانوادهٔ دوهوسه بود که امیل جوان نیز وارد خدمت ارتش گردد .

ولی می‌توان حدس زد که استعدادهای زیاد وگستردهٔ او در رشته‌های مختلف و متضاد مانع می‌شد که بتواند به‌آسانی به‌انضباط خشك تن دردهد . درعین سربازی دانشمند و درعین دانشمندی هنرور بود ودر عین هنرمندی از مشاغل خود چنین استنباط می‌کرد که بالاخره یك سرباز است به عبارة اخری در درون خویش چند شخصیت متفاوت داشت وهمین موضوع موجب شد که در قسمت اعظم از زندگی خویش باتلخی وناکامی ونومیدی روبرو گردد .

بزرگترین عدم موفقیت او در کار نظام بود چون ترقیاتش در درجات افسری بسیار به کندی انجام می‌گرفت ومرتباً درگرفتن درجه‌عقب می‌افتاد وظاهراً علت‌بزرگ این‌عقب افتادن‌ها خود او بود. به‌جای آنکه به‌کسب معلومات لشکری (استراتژیکی) بپردازد و موجبات ترقی خودرا فراهم‌سازد بیشترهمش معطوف اموری‌خارج ازکارهای‌ارتشی وامورمربوط به‌فرماندهی وتاکتیك بود وباهمه اینها سابقهٔ ارتشی او هیچ لکهٔ سیاهی نداشت ودر طی جنگ فرانسه با

پروس (ایام ناپلئون سوم) توانست تادرجهٔ سرهنگ دومی ارتقاء یابد ولی در خـاتمهٔ جنگ که دورهٔ خدمت او به‌سی‌سال رسید چند ماه بعداز تنزل درجه بـازنشسته گردید وچون بیـم آن را داشت که شنیدن خبر تنزل درجهٔ او موجب مرگ پدرش‌گردد بسیار تلخ‌کام گردید بویژه آنکه این تنزل رتبه‌را یك‌توهینی مستقیم به‌شخص خود تلقی می‌کرد خاصه آنکه نمی‌توانست به‌علت آن پی‌برد چون برخودش ثابت شده بود که توانسته است همان سربازی که پدرش‌انتظارداشت باشد . چند ماه قبل‌از این تنزل درجه با وجود کشته شدن عدهٔ زیادی از افسران و از هم پاشیدن تمام هنگ تقریباً دست تنهـا ده ساعت خط جبههٔ جنگ فرانسه را در قسمت خود حفظ نموده و توانسته بود سرتیپ فرماندهٔ خود را که در میدان جنگ زخمی شده‌بود به‌سلامت از میدان بیرون ببرد و باکمك‌های بهداشتی اولیه اورا زنده نگاهدارد ودر عین حال با جنگ وگریز مانع پیشرفت دشمن‌گردد،این شجاعت موجب شد که حتی پروسی‌ها برای او احترام خاصی قائل شوند وبیشتر از شش‌نفر از جنرال‌های فرانسه دلاوری اورا بستایند متأسفانه این ترفیع که در جنگ بدست آمده بود از طرف کمیته‌ای از افسران کاغذ باز در پاریس از میان رفت و او بناچار با کمال سرسختی جنگید تابالاخره موفق شد کمی قبل‌از بازنشستگی دوباره درجهٔ سرهنگ دومی خود را بدست آورد .

اگر میدان جنگ فرانسه وپروس به دوهوسه فرصت داد که سربازی خود را ثابت نماید ایران عرصهٔ نمایاندن جنبهٔ‌هنری وعلمی او بود .

تاجائی‌که اطلاعات موجود نشان می‌دهدتنها درایران بود که استعدادهای مختلف دوهوسه شکوفان گشت چون درسن ۳۶ سالگی که عازم ایران‌گردید نیروهای فکری وبدنی او در اوج ترقی بود وظاهراً در پی میدانی می‌گشت که نیروهای خویش را درآن به‌منصهٔ ظهـور رسانیده خودرا مشهور سازد .

قبل‌از دوهوسه ناپلئون اول وبعداز اوسایر فرماندهان ارتش از نقاشان برای ترسیم نقشهٔ تفصیلی زمین‌هائی که بعداً عرصهٔ‌کارزارقرار می‌گرفت عملاً استفاده می‌کردند واین روش به‌دقت تیراندازی توپخانهٔ فرانسه کمك بسیار می‌نمود مضافاً براینکه وجود دانشمندان وهنرمندان در ارتش به شهرت ودرخشندگی‌گروه افسران فرانسه می‌افزود وآنهاراگروهی متمدن واز نخبگان طبقهٔ تحصیل کرده نشان می‌داد وبدین لحاظ ارتش فرانسه هنرمندان و دانشمندان را باآغـوش باز می‌پذیرفت .

در ایام جوانی‌که دوهوسه به‌سمت ستوانی در لشکرکشی ناپلئون سوم به ایتالیا شرکت داشت به‌او مأموریت داده شدکه در ترسیم جزئیات تابلوی یاد بود « محاصرهٔ رم » با هراس ورنه کمك‌نماید وبدین‌سان استعداد هنری‌او آشکارگردید وهنگامی که بنابه‌درخواست ناصرالدین‌شاه یك‌هیئت نظامی از افسران فرانسه تشکیـل یافت که توپخانهٔ ارتش ایران را به سبك فرانسه نوسازی نماید دوهوسه هم‌که در آن زمان درجهٔ سروانی‌داشت به عضویت این هیئت انتخاب گردید .

اضافه برسمت مشاور نظامی دوهوسه مأموریت داشت که راجع بـه اسب و شتر ایـران هم بررسی‌هائی نموده یادداشت‌هائی بردارد و همچنین طرح نـوینی بـرای لباس متحدالشکل ارتش ایران تهیه نماید.

ولی دوهوسه دیدگاه وسیع‌تری داشت وخود را بخوبی آماده ساخته‌بود. ازمدتی پیش اشتیاق دانش‌پژوهانه‌ای دررشته‌های علوم‌مردم‌شناسی (آنتروپلوژی) ونژادشناسی (اتنوگرافی) در او به‌وجود آمد که موجب گردید بامجامع علمی (آکادمی‌ها) تماس گیرد ویك خط مشی بررسی وتحقیق اساسی پیشنهاد نماید و دانشمندان اورا درتعقیب بررسی‌های رشتهٔ مردم شناسی که در آن اوان علم جدیدی شناخته می‌شد تشویق می‌نمودند ویکی از مدیـران کارخانه‌هـای چینی‌سازی سور که عضویت یکی از مجامع علمی راهم داشت از او خـواهش کرد سبك سرامیك سازی ایران را تشریح نماید وهمچنین بامشهورترین مجلهٔ مصور پاریس در آن زمان «ایلوستراسیون ژورنال اونی ورسل» (روزنامهٔ مصور جهانی) تماس گرفت وقرار شد که خبرنگار خارجی او باشد وبدین‌سان دوهوسه وقتی رسماً به‌سمت یك‌افسر ومعلم فنون نظامی عضو هیئت فرانسوی تحت ریاست ویکتور فرانسیس برون‌یات سرهنگ توپخانه به‌ایران آمد در واقع عنوان نقاش مردم‌شناس و نژادشناس و روزنامه‌نویس را هم داشت.

در روز ۲۹ سپتامبر ۱۸۵۸ که میسیون نظامی فرانسه به سرحد ایران رسید یك دستهٔ صد نفری از سواران کرد پادگان سرحدی از آنها استقبال نمودند و ورود میسیون را به‌ایران یکی از اعضای آن بدین شرح بیان می‌کند:

«در ۲۹ سپتامبر بعداز ۲۶ روز راه‌پیمائی وارد ایران شدیم.درحدود صدنفر از سواران کرد سرحد‌دار به‌پیشواز ماآمده بودند واسب‌بازی آنها فرصتی بود که‌ما بتوانیم به‌سوارکاری این مردم که از نوادگان پارت‌ها هستند آشنا شویم واز آن لذت بریم. احتراماتی که در بدو ورود ما به‌ایران به‌عمل آمد همه‌جا در سراسر راه‌هـا از طرف حکام ولایات ادامه یافت وروز ۹ اکتبر وارد تبریز شدیم و به دستور شاهزاده اردشیر میرزا عموی شاه و والی تبریز ما را به عمارت باغ شمال که از بناهای عباس میرزاست بردند. عباس میرزا پسر فتحعلی‌شاه است که پدر خوشبخت هفتاد پسر ودویست دختر بوده‌است. روز ۲۴ اکتبر شهر تبریز را برای ادامه به‌سفر یکنواخت وخسته‌کنندهٔ خود ترك نمودیم‌ودرسراسر راه ازمیان‌کوه‌های لخت و دشتهای خشك می‌گذشتیم وهرروز در محلی اردو زده روز دیگر چادرهارا جمع کرده برای منـزل کردن در چند فرسخ دورتر حاضر می‌شدیم».

ولی دوهوسه همواره دفترچه‌ای باخود داشت وبرای آنکه یکنواختی سفر آسان بگذرد مداد او لحظه‌ای بیکار نمی‌ماند و گاه باشوق وگاه بـاجبار نقاشی می‌کرد و هنوز به تهران نرسیده بود که تعداد طرحهای ترسیم شدهٔ او به ۶۰۰ رسید. اوقاتی که به‌سواری ونقاشی نمی‌پرداخت مشاهدات خود را یادداشت می‌کرد. شاید کوه‌ها در پائیز تنها سنگهای لخت برافراشته به نظر می‌آمدند وجلگه‌ها در سفر جز خستگی چیزی نمی‌آوردند ولی مردمی که می‌دید همه به‌نظر او

سحرانگیز بودند. بالاخره در روز ۱۵ نوامبر ۱۸۵۸ هیئت فرانسوی به‌تهران رسید و دوهوسه با شگفتی مسرت آمیزی متوجه شد که عدهٔ زیادی ازمردم شهرفرانسه حرف می‌زنند ودرمجامع آنان از افسران فرانسوی به‌گرمی پذیرائی می‌شود .

وظیفهٔ اصلی هیئت نظامی فرانسوی تعلیم وتربیت هنگی بود که برای ۲۰ هنگ دیگر از ارتش ایران سرمشق ونمونه باشد ودر پایان سال اول این‌هنگ نمونهٔ نظم وانضباط و تعلیمات کافی فراگرفته وتوانسته بود که در مانور همگانی ارتش درسلطانیه لیاقت خودرا آشکار سازد . دوهوسه در میان سربازان زندگی می کرد وبه‌انجام وظایف خود مشغول بود وگاه‌گاه نیز در بعضی امور در مراسم دربار شرکت می کرد واکنون می‌خواست که عمیقانه به‌بررسی ومطالعهٔ کشور بپردازد وبیشتر وقت خودرا صرف کارهای علمی خود نماید .

تاآن وقت باآذربایجان ومازندران آشنائی یافته بود واینك به‌اصفهان وشیراز سفر کرد و از ایل‌های بختیاری‌ولر دیدن نمود سپس به خوزستان رفت و از آنجا عازم کرمان شد و بعد از آشنائی با بلوچ‌ها رهسپار خراسان گردید تا با ترکمن‌ها آشنائی پیدا کند . هرجا می‌رفت از مشخصات طبیعی یادداشت برمی‌داشت و جمجمه‌ها و نیمرخ‌ها را اندازه می‌گرفت و صدها صورت از افراد ترسیم می‌نمود که از میان آنها دویست شکل را به عنوان نمونهٔ مشخص و کامل انتخاب نمود . در پایان مسافرت دفترچه‌های او مملو بودند از صورت‌های اشخاص و نقاشی‌های امکنه و یادداشت‌هائی از عادات و آداب و اطوار زندگی مردم .

حال این یادداشت‌ها کجاست؟ متأسفانه تاکنون اطلاعی به‌دست نیامده واز صدها نقاشی وطرح که دوهوسه از ایران کشیده فقط ۱۵۰ قطعه بدست آمده است و نوشتن کتاب کامل و جامعی راجع به ایران براساس نقاشی‌ها و یادداشت‌های او موکول به زمانی است که تمام آن اسناد بدست آید .

دراینکه دوهوسه هرچه را دیده باکمال دقت وامانت ترسیم نموده و واکنش او درمقابل مشاهداتش دوستانه وصمیمانه بوده‌است هیچگونه تردیدی نیست. دوهوسه با وارستگی یك‌نفر دانشمند به ایران آمد و با احساسات یك‌نفر هنرمند آن را منعکس نمود .

دوهوسه در کشیدن صورت‌ها اعم از بزرگان یاسقاها یانقال‌ها یا لوطی‌ها یا مطرب‌ها یا فرمانداران بطوری که از یادداشت‌های او معلوم می‌شود مردان ایران به‌نظراو در هر طبقه از اجتماع مردمی آرام ، موقر ، شریف وخوددار جلوه می‌نمودند .

از شکل اسب‌ها وشترهائی که کشیده یامناظر وجزئیات شکارگاه‌ها را که باقوش وتازی ترسیم کرده یا یاداشت‌هائی که راجع به‌کاشی سازی برداشته یاشکل آلات مختلف موسیقی وحتی از جواهرات سلطنتی که نقاشی نموده معلوم می‌گردد که تمام درها دراین کشور به‌روی او باز بوده است مگر صورت زنان ایران معهذا هروقت که فرصت یافته که صورت زنی را نقاشی نماید اثر او یکی از بهترین کارهایش به شمار می‌آید .

دوهوسه ملاحظه می‌نماید که روبند زنان باید همیشه آویخته باشد ونامحرم‌را حق دیدن

روی آنها نیست ولی گاهگاهی علی‌رغم احتمال ضرب و شتم خواجه‌سرایان مراقب دختران خطررا برخود خریده گوشهٔ نقاب را (به‌قول او ولو برای نمودن سردماغ هم شده باشد) قدری بالا می‌زنند واو ازاین فرصتهای کم و کوتاه هم استفاده می‌نماید وچهرهٔ زنان ایرانی به‌چشم او برخلاف صورت مردان زنده وبانشاط جلوه می‌کند .

به‌اضافه دوهوسه زنان ایرانرا دارای مزایای درجهٔ عالی تمدن می‌داند ولی معتقد است که زیبائی آنان بیشتر نشانهٔ شهوت است تانمایندهٔ هوش و ذکاوت و علت دیگر نومیدی او از اینکه بتواند چهرهٔ زنان این‌کشور را ترسیم نماید آن‌است‌که می‌گوید زنان دراین قبیل مواقع بیش‌از حد آرایش می‌نمایند واغلب نمی‌توان دراثر مصرف زیادی لوازم‌آرایش رنگ حقیقی چردهٔ آنها را تشخیص داد .

در پایان دورهٔ مأموریت خود دوهوسه از ناصرالدین شاه استدعای ملاقات می‌نماید و وقتی به‌حضور می‌رود نتیجهٔ مطالعات و طرحها و نقاشی‌های خودرا به‌عرض می‌رساند و اجازه می‌خواهد که چهرهٔ شاهنشاه‌را نیزبسازد و آن‌راسر لوحهٔ‌کارهای‌خود قراردهد وشرح این‌ملاقات را دوهوسه این‌طور بیان می‌نماید .

« وقتی نتیجهٔ مطالعات خود راکه درحدود دویست صورت ازچهره‌های مختلف رعایای پادشاه ایران بود به‌او نشان دادم و توجه و علاقهٔ او را به این صورتها مشاهده نمودم ازفرصت استفاده‌کرده از او اجازه خواستم‌که صورت اورا تهیه و سر آغاز این مجموعه قرار دهم،و وقتی اعلیحضرت ناصرالدین‌شاه بدین منظورمرا احضارکرد به‌هیچوجه مجلس صورت رسمی‌نداشت وشاه می‌خواست‌که من دراین ملاقات ازیك محیط خودمانی وبدون تشریفات برخوردار باشم. شاه بالطف وظرافت خاصی‌خودرا برای مواجهه باخواهش من آماده نمود وبه‌من اجازه فرمود مانند او روی زمین بنشینم واین خود مرحمت استثنائی بود که ابراز داشت سپس شاه یك قلم آهنی وصفحه‌کاغذ برداشت وگفت‌خیال دارد درعین حال‌که من مشغول نقاشی چهرهٔ‌او می‌باشم او هم از من طرحی ترسیم نماید . خوانندگان می‌توانند برای خود مجسم سازند که سه‌نفر از عمال عالی رتبهٔ دربارکه به حال احترام و سکوت کامل شاهد این محفل بودند با چه چشم شگفت‌باری پادشاه خودرا می‌نگریستندکه به‌یك‌نفر فرنگی اجازه داده است صورت اورا نقاشی نماید ودرعین حال خود او مشغول‌کشیدن چهرهٔ این نقاش می‌باشد. این طرح به‌سرعت‌کشیده شد ولازم به‌گفتن نیست‌که تاچه حد موجب تشویق و تمجید حضار واقع گردید مخصوصاً که شاه کلمهٔ « دوهوسه » را به‌فرانسه نوشته بود. شخصیت‌های بزرگی که حضور داشتند طرح‌را مهر کردند وبدین‌وسیله لطف مخصوصی که شامل حال من شده بود تصدیق نمودند ومن نیز از این مهربانی آنان محترمانه سپاسگزاری کردم » .

بعداز سه‌سال اقامت دوهوسه ایران را برای همیشه ترك کرد ولی خاطرهٔ ایران هیچگاه از یاد او بیرون نرفت .

نقاشی‌های دوهوسه به‌نظر ناپلئون سوم وهمسرش امپراطوریس اوژنی رسید و مورد توجه



سپس شاه یك قلم آهنی وصفحه کاغذ برداشت وگفت خیال دارد درعین حال که من مشغول نقاشی چهرهٔ او می‌باشم او هم از من طرحی ترسیم نماید .







Duhosé?

این صورت را اعلیحضرت همایون کشیده اند

Nayebul Ayalah
Farhad Meerza

این طرح به‌سرعت کشیده شد ولازم به‌گفتن نیست که تاچه حد موجب تشویق و تمجید حضار واقع گردید مخصوصاً که شاه کلمهٔ «دوهوسه» را به‌فرانسه نوشته بود.

و تشویق آنان واقع گردید و وزیر جنگ از کارهای او تمجید فراوان نمود و درمجامع دانشمندان بویژه انجمن مردم شناسی وانجمن جغرافیای نژادهای شرق وامریکا وآکادمی دیژون که دوهوسه با آنها قبل از مسافرت به ایران تماس حاصل نموده بود کارهای اوجنب وجوشی به وجود آورد. در سال ۱۸۶۳ مسیو دوکاترژاژ یکی ازاعضای فرهنگستان علوم آثار دوهوسه را درفرهنگستان مذکور به معرض نمایش گذاشت ومورد ستایش دانشمندان پاریس وسایر شهرها ازجمله برلین ومسکو قرارگرفت ووزیرفرهنگ فرانسه دستور داد که نسخه‌ای از کارهای مردم‌شناسی دوهوسه برای کتابخانهٔ موزه تاریخ طبیعی تهیه شود .

درست در همان هنگام که علاقهٔ دوهوسه به مسائل علمی به موفقیت نزدیك می‌شد از دنبال کردن و به نتیجه رسانیدن کارهای علمی خود بازماند چون مأموریت یافت که برای فرماندهی قسمتی از ارتش به افریقا برود و سه سال در الجزایر بماند .

تاحدی که بتوان قضاوت کرد انتقال دوهوسه به افریقا آغاز یك دورهٔ بی‌ثمر وحزن‌آوری از زندگی اوست . بین مراجعت از ایران و رفتن به الجزایر دوهوسه موفق شد در سال ۱۸۶۲ رساله‌ای در بارهٔ تاریخ اسب در خاور زمین منتشر نماید و مقاله‌ای در خصوص اسب ایران در مجلهٔ دامپزشکی ارتش فرانسه بنویسد ولی انتشار سایر آثار او راجع به اسب تا زمانی که بازنشسته شد به تعویق افتاد وحال آنکه بایستی در حدود دوازده رساله وکتاب راجع به این موضوع نوشته باشد که به کتاب مهم وبزرگ او به نام « اسب » در سال ۱۹۰۲ منتهی گردد. این آثار بعداً انتشار یافت ودرهمان وقت کمی که دوهوسه قبل از رفتن به الجزایر داشت موفق شد کتاب کوچکی به نام « مردم ایران » منتشر سازد ولی دراین رشته نیز انتشار آثار او به زمان بازنشستگی موکول گردید .

در همین دوره بین مراجعت از ایران و رفتن به الجزایر است که معلوم شد دوهوسه مجسمه‌ساز نیز بوده است .

اشکالات دوهوسه را می‌توان در این موقع حدس زد . بارون‌هوسمن تازه به تجدید بنای شهر پاریس به صورت کنونی با بولوارهای وسیع آن دست زده بود وساختمان باشکوه اوپرا در همان سال که دوهوسه ازایران برگشت آغاز گردید وهمه‌جا درشهر پاریس دست به کار نوسازی بودند و دوهوسه می‌خواست در این کار سهیم باشد .

منزل دوهوسه در دست چپ رودخانه درمیدان « فورستن برگ » چند خانه دورتر از منزل « اوژن دولاکروا » که در آن زمان یکی از درخشنده‌ترین ستارگان در آسمان هنر پاریس شمرده می‌شد و ظاهراً مورد احترام و اعجاب دوهوسه بود قرار داشت .

دلاکروا درآن موقع شصت وسه ساله بود وقبل از عزیمت دوهوسه به افریقا چشم ازجهان بربست وسایر چهره‌های مسلم هنر فرانسه اغلب اوج شهرت را پشت سر گذاشته بودند . انگر ۸۱ سال داشت و هاونوره دومیه ۵۳ ساله بود ولی در نهضت هنری جوانتر از نقاشانی که دارای شهرتی بودند جز پیسارو که تازه پا به سی سالگی گذاشته بود هیچ یك سنشان به سی سال نمی‌رسد

مانه ۲۹ ساله ومونه ۲۱ ساله ووسیلی ۲۲ ساله و دگا ۲۷ ساله و رئوار ۲۰ ساله و سزان ۲۱ ساله فانتن‌لاتور ۲۵ ساله و اودلون رلون ۲۱ ساله بودند .

دوهوسه که سی‌و‌نه سال داشت در میان دو نسل از هنرمندان قرن نوزدهم قرارگرفته بود وبادلبستگی ژرفی که به‌جنبش‌های هنری زمان خود داشت مقام خودرادرپیروی‌مکتب دولاکروا می‌دید وروش خالی از طنز دومیر را باسبك واقع بینانه کوربت ومیلیه ومانه که از حیث سن از نزدیکترین معاصرین او بودند درهم آمیخـته بود . مجسمه سازان استاد و مشهور آن زمان آنتوان‌لوئی‌بارژ وژان باتیس‌کارپو بودندکه دوهوسه‌کار هردورا درساختن‌هیکل اسب‌نادرست تشخیص داده بود اگوست‌رودن که ۲۱ سال داشت هنوز در گمنامی بسر می‌برد افسوس وقتی دوهوسه مجدداً به‌کارهای هنری برگشت ۵۰ سال داشت ودراثر ابتلا به‌بیماری چشم درالجزایر واسارت در دست آلمان‌ها سلامت خود را از دست داده بود ووضع هنر نیز باسال‌های اوایل‌دههٔ هفتم قرن نوزدهم تغییرات فاحشی پیداکرده بود . بهترین زمان برای‌نشوونمای نبوغ هنرمندی دوهوسه همان هنگام بازگشت او از ایران بـود که متأسفانه از دست رفت . وظیفـهٔ بی‌چون و چرای نظامی که دوهوسه را وادار به‌امتثال امر و رفتن به الجزایر نمود نه‌تنها مانـع از آن شد که بتواند جای خود را در میان هنرمندان ومجسمه‌سازان مشهور زمان به‌دست آورد بلکه اورا در نیل به مقام شامخی در عرصهٔ ادبیات ونویسندگی نیز بازداشت. سیاحان فرانسوی دیگرمانند گوست وفنلاندن وهومر دوهـل که از ایران بـازدید نمودند بهتر کامیـاب شدند ودر انتشار یادداشت‌های خود بیشترمورد تشویق وتحسین قرارگرفتند کتاب گوست وفنلاندن که‌بین سال‌های ۱۸۴۰ و۱۸۴۱ در ایران به‌سیاحت پرداختند از طرف دولت فرانسه چاپ و منتشر شد و هومر دوهل‌که بین سالهای ۱۸۴۶ و۱۸۴۸ درایران گردش می‌کرد ودراصفهان درگذشت سیاحت‌نامهٔ مشهور اورا نیز دولت فرانسه به‌چاپ رسانید .

ولی آثار دوهوسه مواجه بازمانی‌گردید که توجه دولت فرانسه معطوف مسائل دیگری بود مسئلهٔ مکزیك دقت همه‌را جلب نموده بود وناپلئون سوم‌تمام هم‌خودرا صرف آن می‌نمود که به زورنیروی نظامی فرانسه ماکسی میلیـان آرشیدوك اتریش‌را به‌مقام امپـراطوری کشور مکزیك برساند،و درنتیجه‌آثار دوهوسه در بوتهٔ فراموشی ماند واگرچه چند رساله ازاو انتشار یافت ولی هیچگاه به‌پنج شش‌سال فرصت‌که برای تدوین وتنظیم کتاب بزرگ مصوری راجع به‌مسافرت او به‌ایران لازم بود در اختیار وی‌قرار نگرفت ومجموعهٔ تصویرهائی‌که به‌این منظور تهیه‌کرده بود جزء یك‌مشت اوراق ونمودارها بین کتابفروشی‌های‌مرطوب پاریس دست به‌دست می‌شد .

آثاری که از دوهوسه باقی مانده است بالاخره ثابت می‌دارد که سهم او در شناسانیدن ایران آن زمان از هیچیك از سیاحـان مشهور فرانسوی که از ایـن کشور دیدن نموده‌اند کمتر نیست . دوهوسه نه بعنوان یك سرباز یا یك عالم بلکه بعنوان یك هنرمند بادیده‌ای روشن‌بین و موی شکاف به‌ایران آمد ومجموعهٔ مستند بی‌نظیری از تصاویر وضع زندگی این کشور در آن

زمان به‌وجود آورد در این اوان که ملت ایران تدریجاً از طرز زندگانی قدیم خود دست برداشته به سوی تمدن امروزی جهان می‌گراید اهمیت آثار و نقاشی‌های دوهوسه بیش‌از پیش افزایش می‌یابد .

اسب ایران با سوئه‌های مختلف آن جای خود را به‌جیپ‌های ساخت کشور و سایر اتومبیل‌های آخرین سیستم داده و به‌جای شتر قطارهای راه‌آهن وکامیون‌های غول‌آسا در روی جاده‌های اسفالته مشغول بارکشی می‌باشند . کوره‌های کوچك تهیهٔ ذغال چوب تقریباً از میان رفته وصنعت عظیم نفت ایران جایگزین آن گردیده است . نقالان نابینا به رادیو و تلویزیون تبدیل شده‌اند وکشور ایران برای به‌دست آوردن آن درجه از ترقی‌که برای ادامهٔ بقا لازم و مطلوب است همگام با دیگران به‌سوی هم‌آهنگی و یگانگی‌جهانی‌که بر همه‌جا حکمفرماست پیش می‌رود .

نقاشی‌های‌دوهوسه به‌شاه ریشهٔ واکنش واحساسات شخصی‌مردم ایران که‌نسبت به‌سرزمین خود دارند بسیار نزدیك است و بیهوده نخواهد بود که گاه‌بگاه آن دوره از تاریخ کشور را مورد بررسی قراردهیم تاشاید بتوانیم آنچه‌را از دیدگاه نوسازی‌که هنوزدارای ارزش می‌باشد حفظ نمائیم .

دوهوسه ساعات غروب یك دورهٔ تمدنی‌را که هنوز به‌قوت خود باقی‌است مجسم می‌سازد و این‌دورهٔ تمدن هرچندکه بیشتراز آنچه تاریخ اجازه می‌دهد دوام‌کرده ولی آنچه جالب توجه می‌باشد این‌است‌که این دورهٔ‌تمدن تا این‌حد دیر پائیده‌است وهیچ نیروئی نتوانسته است اساس آن را از هم بپاشد ونمایندهٔ یك وضع زندگی است که از وقتی‌که حکیم عمر خیام از پله‌های رصدخانهٔ خود بالامی‌رفته یاحافظ درمدرسهٔ شیراز باملاها به مباحثه می‌پرداخته تاآن‌روز تغییر مؤثری در آن راه نیافته‌بوده است.

هنوزقصه‌های‌شهرزاد افسانه‌گو به‌همهٔ‌گوش‌ها خوش‌آیند ولطیف‌می‌آمده وسخنان‌اخلاقی سعدی تازگی خودرا از دست نداده بوده است وهنوز درویشان اشعار ملای‌رومی را در کوچه و بازار می‌خواندند ومردم بدون هیچ اشکال به‌معانی آن پی می‌برده‌اند. این تصاویر نمودار عصر باستانی ودورهٔ سوارکاری ایران‌است واز وجنات چهره‌ها می‌توان به‌آسانی به‌آثار خودنمائی و رنج صاحبان آنها پی‌برد. این نقاشی‌ها تنها نمایندهٔ یك قرن نیست بلکه در واقع نمایش یك هزاره است و هرچند با کلمات نمی‌توان آن را بیان داشت ولی این تصویرها با طرز شگفت آوری آن را در برابر چشم ما مجسم می‌نماید.

بادیدن این نقاشی‌ها می‌توان اوضاع زندگانی آن روز مردم ایران را ازدریچهٔ چشم مردی تیزبین در بهترین دوره از زندگی خود، که دارای نیروی بدنی یك سرباز وفکر یك دانشمند و دست‌های یك هنرمند بوده است تماشا نمائیم .

چه بسیار مردم دارای استعداد ونبوغ‌که در جهان گمنام زیسته و ناشناخته نیز زیر خاك رفتند و راز زندگی وآثار آنان ناگفته مانده واز دست رفته ولی بخت با دوهوسه یار بودکه هر

چند علائم واخلاف چندانی از خود باقی نگذاشت آثار او کشف گردید وبعد از صدسال اسم او زنده و جاودان شد و بنیاد فرهنگ ایران با انتشار این کتاب خدمات او را به این آب و خاك تحسین وتقدیر می‌نماید .

منوچهر فرمانفرمائیان

شرح تصویرها

۳۸ یکی از سادات

۳۹ طیارخان ـ از سادات ترکمن

۴۰ کرد درلباس جنك قدیم

۴۱ کرد درلباس جنك قدیم

۴۲ مراد خان ـ کرد درلباس جنك قدیم

۴۳ مراد ـ بختیاری

۴۴ عبدالکریم ـ کرد

۴۵ سنجرکرد ـ ارومیه

۴۶ قوش چی

۴۷ جلودار سلطنتی

۴۸ سرباز

۴۹ بختیاری ازکوههای لرستان

۵۰ افغان قندهاری

۵۱ افغان قندهاری

۵۲ از اهالی خرمدره

۵۳ چاروادار

۵۴ از اهالی خراسان

۵۵ کرد ارومیه

۵۶ ترکمان تکه

۵۷ درویش هندی

۵۸ کرد مسلح

۵۹ درویش سید یقین‌علی (اصفهان)

۶۰ حسین غیاث کرمانی ـ میراب کرمان

۶۱ حسین غیاث کرمانی ـ میراب کرمان*

۶۲ آخوند یزدی

۶۳ یکی از متشخصین ایرانی

۶۴ از اهالی شوشتر با چپق

۶۵ قلیانچی

۶۶ قهوه چی

۶۷ سقا با مشك و قلیان

۶۸ درویش

۶۹ قلیانچی

۷۰ بالا : ـ از اهالی شوشتر
دست چپ : ـ افغان ـ قندهاری
دست راست : عرب کربلا

۷۱ لر شوشتر

۷۲ چهره‌های مختلف یزد

۷۳ قلیاندار (قبل منقل)

۷۴ آبدار

۷۵ افراد نظامی درحال راحت‌باش

۷۶ ملازمین شکار ازچپ براست : ـ آبدار ـ
تازی‌بان ـ قوش چی ـ تفنگدار ـ قلیاندار

۷۷ محکومین در کند و زنجیر

۷۸ مجلس وعظ در اصفهان

۷۹ استراحت پس از شکار (احتمالا
اسب‌سوار خود نقاش است)

۸۰ مناظری از زندگی روزانه

۸۱ مناظری از زندگی روزانه

۸۲ بالا : ـ نقاره‌چی

پائین : ـ سه‌تارزن

۸۳ سنتورزن

۸۴ سرناچی

۸۵ عمله نقاره‌خانه

۸۶ دست راست : ـ تنبك‌زن (ضرب گیر)

دست چپ : ـ غژك زن

۸۷ بالا : ـ دایره‌زن

دست راست : ـ کمانچه‌زن

دست چپ : ـ تنبك‌زن (ضرب‌گیر)

۸۸ کمانچه‌زن

۸۹ عمارت باغ شمال در تبریز

۹۰ بالا : ـ شکار رفتن شاه از سلطانیه

پائین : ـ اردوی سلطانیه و صاحب‌منصبان فرانسوی

۹۱ یکی از دروازه‌های کاشان

۹۲ بالا : ـ امامزاده حسن کاشفی درسلطانیه

پائین : ـ چادرهای سپه‌سالار در اردوی سلطانیه

۹۳ قافلان کوه

۹۴ امامزاده قاسم ـ شمیران

۹۵ بالا : ـ پاسنگان ـ بین قم و کاشان

پائین : ـ سن‌سن ـ بین قم و کاشان

۹۶ منظرهٔ شهرتهران و شاه عبدالعظیم

۹۷ گنبد سلطانیه

۹۸ بالا : ـ منظرهٔ شهر قم

پائین : ـ امامزاده‌ای نزدیك کاشان

۹۹ بالا : کنارگرد ـ راه قدیم تهران قم

پائین : ـ دریاچهٔ حوض‌سلطان

۱۰۰ دروازهٔ میدان زنجان

۱۰۱ چادر کاپیتان دوهوسه در اردوی نظامی سلطانیه

۱۰۲ بالا : ـ مسجد زنجان

پائین : ـ شهر زنجان

۱۰۳ بالا : ـ ارگ تبریز

پائین : ـ میدان کورپی‌سی (پل) درتبریز

۱۰۴ بالا : ـ ارگ تبریز

پایین : ـ مسجد کبود تبریز

۱۰۵ بالا : ـ پل غزل‌اوزن (پل دختر)

پائین : ـ شهر میانه

۱۰۶ مناظری از شهر قم

۱۰۷ بالا : ـ چادرهای شارژدافر فرانسد در اردوی سلطانیه

پائین : ــ چادرهای سفارت انگلستان در اردوی سلطانیه

۱۰۸ بالا : ــ مورچه خورت

وسط : ــ کاروانسرای صدرآباد

پائین : ــ پل دلك نزدیك قم

۱۰۹ دروازه‌های تهران

بالا : ــ دروازهٔ قزوین

وسط : ــ دروازهٔ نو

پائین : ــ دروازهٔ شاهزاده عبدالعظیم

۱۱۰ دروازه‌های تهران

۱ ـ بالا : ــ دروازهٔ دولاب

۲ ـ وسط : ــ دروازهٔ شمیران

۳ ـ پائین : ــ دروازهٔ دولت

سپاسگزاری

از کلیه سروران و دوستانی که مرا در تهیه و چاپ این کتاب تشویق و کمك و راهنمائی نموده‌اند بدینوسیله سپاسگزارم.

ابتدا تشکرات خود را به جناب آقای دکتر منوچهر اقبال ریاست هیئت مدیره و مدیریت عامل شرکت ملی نفت ایران تقدیم می‌نمایم .

از بنیاد فرهنگ ایران که چاپ این کتاب را بعهده داشته‌اند خصوصاً کمال تشکر و امتنان دارم .

از آقای دکتر رومن گیرشمن که سالها ریاست هیئت خاور شناسان فرانسوی را در ایران بعهده داشته و در تحقیق راجع به زندگی دوهوسه به این جانب کمك‌های ذیقیمتی نموده‌اند سپاسگزارم و نیز از جناب آقای دکتر پرویز عدل مدیر کل وزارت امور خارجه که اسناد مهمی در این باب در اختیار اینجانب گذاشتند قدردانی و تشکر می‌نمایم .

از آقای گریگوری‌لیما که در آماده نمودن متن کتاب سهم بسزائی داشته‌اند کمال تشکر را دارم و نیز از آقایان علی‌اشرف شیبانی و مرتضی امونا که در تهیه و تنظیم کتاب وقت فراوانی صرف نموده و بدون یاری آنان تهیه این کتاب هیچگاه میسر نمی گردید کمال امتنان را دارم .

همچنین نسبت به خانم زهرا شادمان دانشجوی ادبیات ایران در دانشگاه پاریس و خانم مادلن شهبازی و آقای ژان کیزل استاد زبان فرانسه در دبیرستان رازی و دوستان ارجمند دیگری که یاری آنان باعث موفقیت اینجانب در تهیه این کتاب شده است مراتب قدردانی خود را ابراز می‌نمایم .

منوچهر فرمانفرمائیان



Perse.
Faubourg d'Ispahan.

arménienne de Djulfa - 1859.

















Thé





1859 Yriarte

1859




1859



servante portant l'Aftabé 1859



1859 Ispahan



1858



1858 Teheran



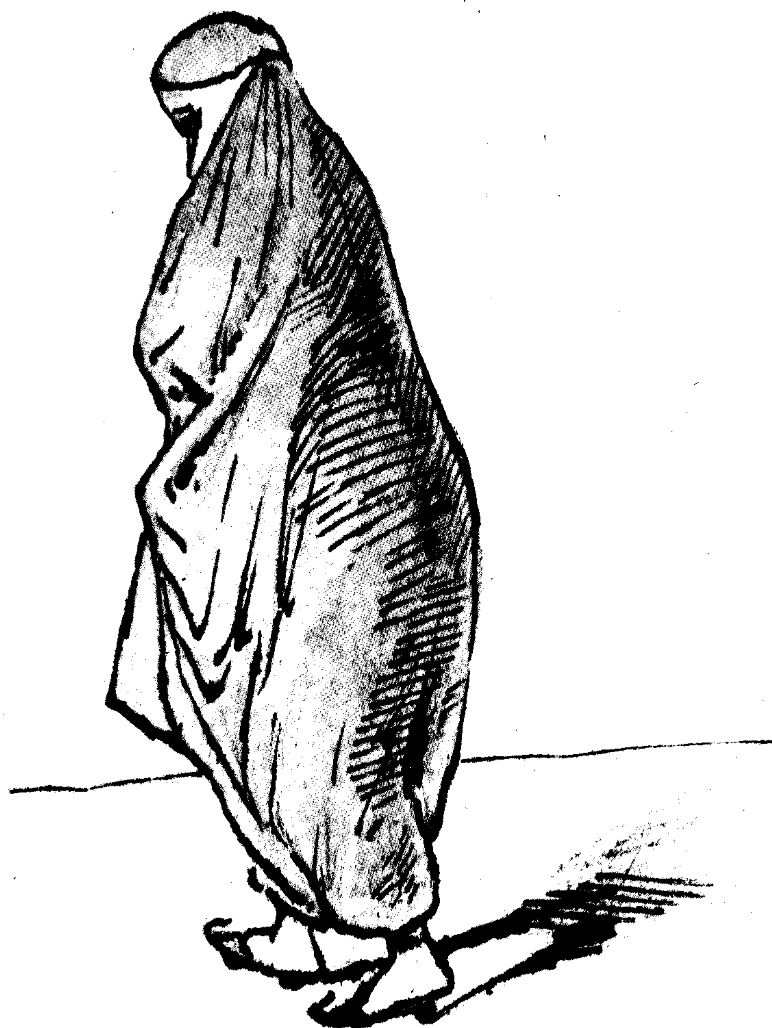
1858 Téhéran



dans une rue 1858 Téhéran



1858





voyage en Perse

Duhousset



پیشخدمت باشی سلام


Afghan.
Voyage en Perse
محمد





Turcoman
Voyage en Perse
Duhousset


Afghan.

voyage en Perse

Dubourdey

homme de Derbent


سلطان
voyage en Perse



آقای آقا سید محمد امام جمعهٔ اصفهان





محمد کابلی



شاه میرزا
Turcoman



afghan
Béloutchee
Voyage en Perse


Afghan
Boutche
شاهپسند
voyage en Perse
Duhousset



شاه مراد

voyage en Perse

Duhousset


سید نصرالله
Ispahani

سید علینقی



Derviche
d'Ispahan.




طَیّار خان




Kurde.


Kurde.
مراد خان



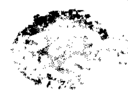
مراد

عبدالکریم

Kurde

سنجر کرد

Kurde d'Ourmyah







Gélodar du Shah. domestique chargé de tenir son cheval



Perse.

Sud-ouest.

Khouzistan

Bactyari

ses montagnes du



افغان قندهار





Afghan

افغان قندهاری



afghan

Paysan de Kourdistan

آدم خمسه دره



Paysan de Kourdesté

müster Persien 1858 Tcherwadar





کرد ارومیه



Kurde d'Ourmiah

ترکمان تکه



Turcoman



Derviche Indien



8

درویش اصفهان



Derviche d'Ispahan





mirab (prince de l'eau) 1860 Perse

میراب کرمان

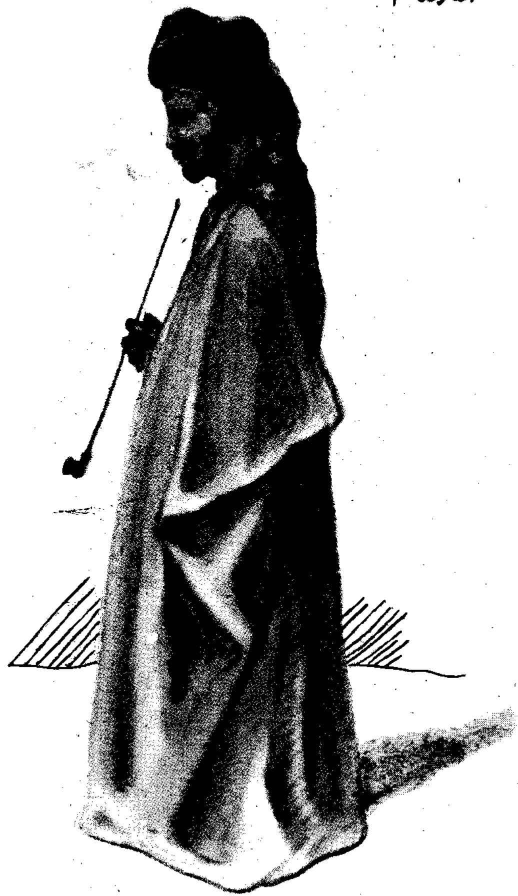


Homme de Kirman (mirab)





Chester





1858





۶۷

Derviche 1858





Kaléanoi 1858

homme de Schuster.
Louristan



afghan de Kandahar



arabe de Kerbela



homme de Chuster (Louristan)




homme de
Jezd


homme de
Jezd.


Jezd.


Jezd.



Kaliandar



abdar.




Chiens Kurdes. queue longue et poilue. Oreilles coupées.
abdar.
Tazi-bahn
Couchtchi
Tufenkdar
Kaliandar.



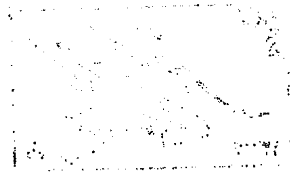
assassins, condamnés à la peine capitale, attendant leur tour d'exécution (Perse)


Conférence religieuse à Ispahan
1860















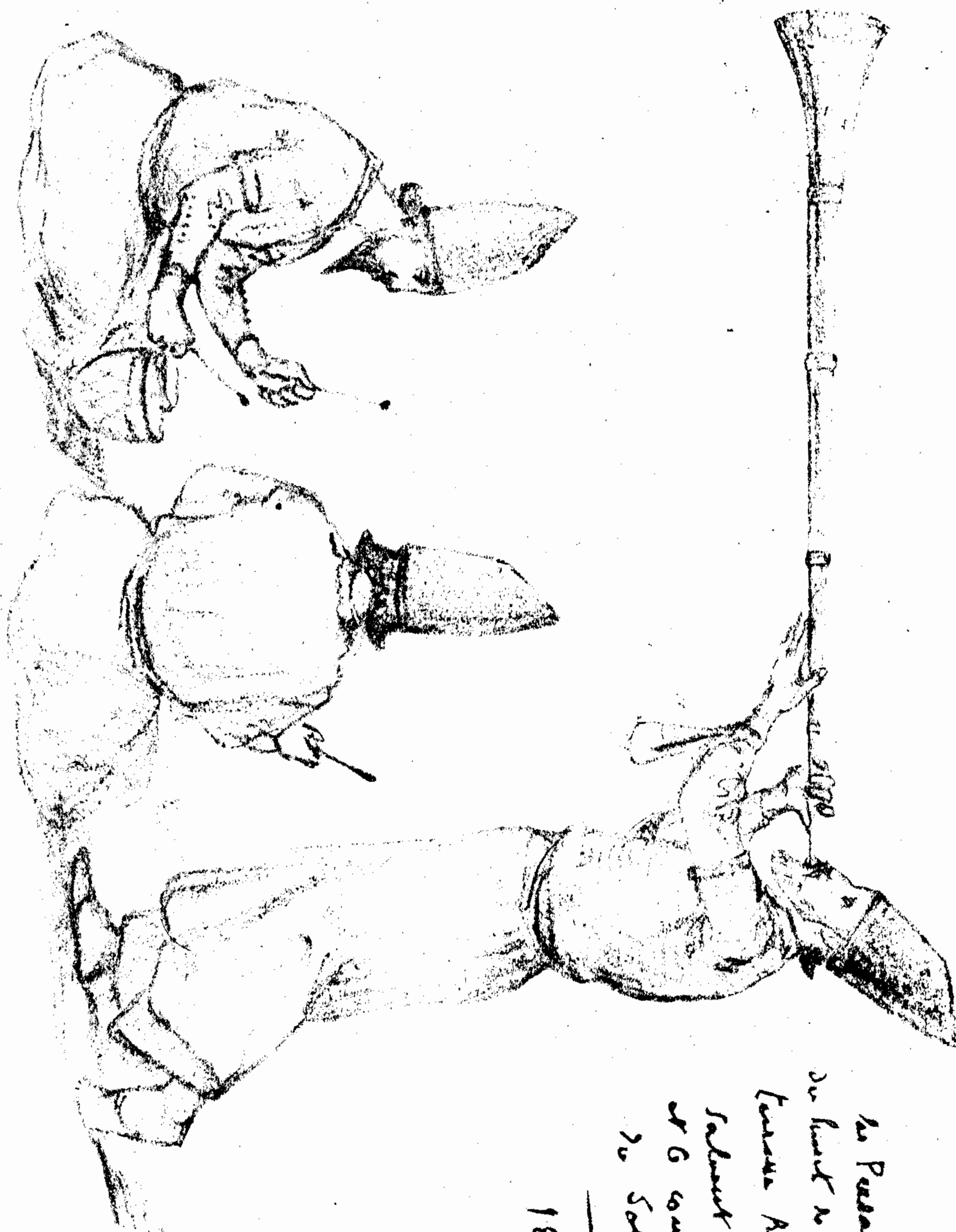




















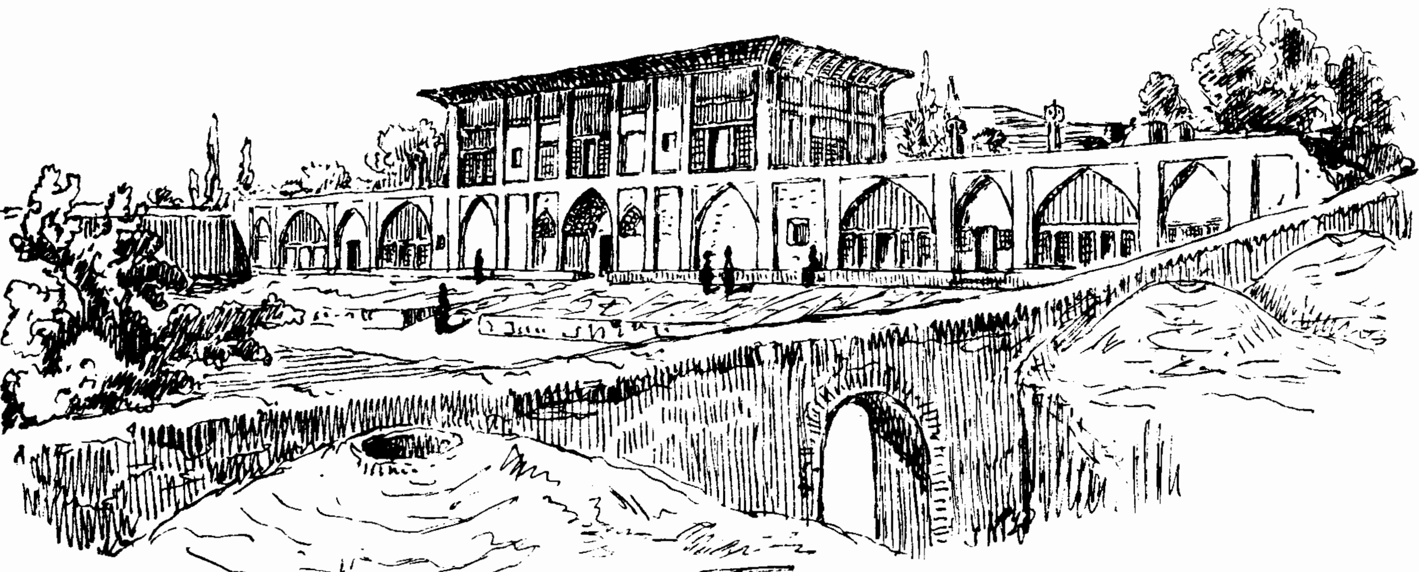


Kémanche



باغ شمال

Château d'Abbas-mirza
où était logée la Mission militaire
Française à son passage à Tebriz.



عمارت سلطانیه

Chateau du roi de Perse
au camp de Sultanieh.
départ pour la chasse



Campement de la mission Mre française
au camp de Sultanieh.

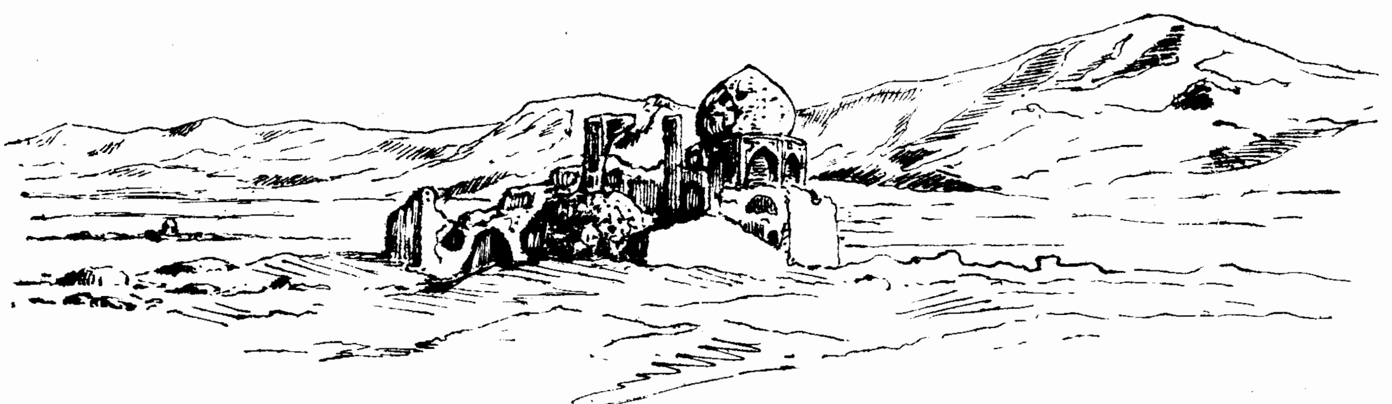




Kaschan.

حسن کاشف

Imamzadé Hassan Kiâchefi (Sultanieh)



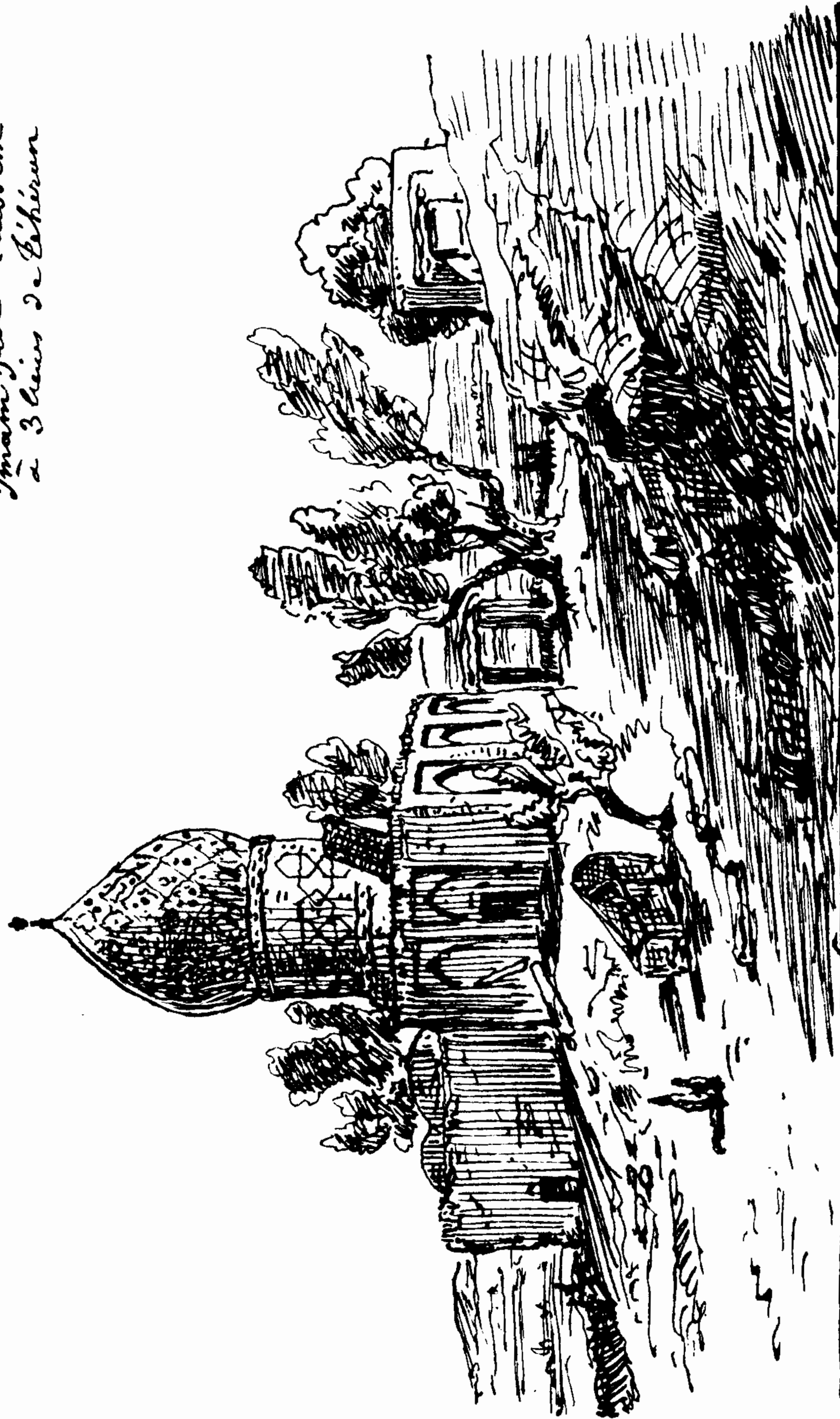
چادر سپهسالار در اردوی سلطانیه

Tente du Sepehsalar au Camp de Sultanieh



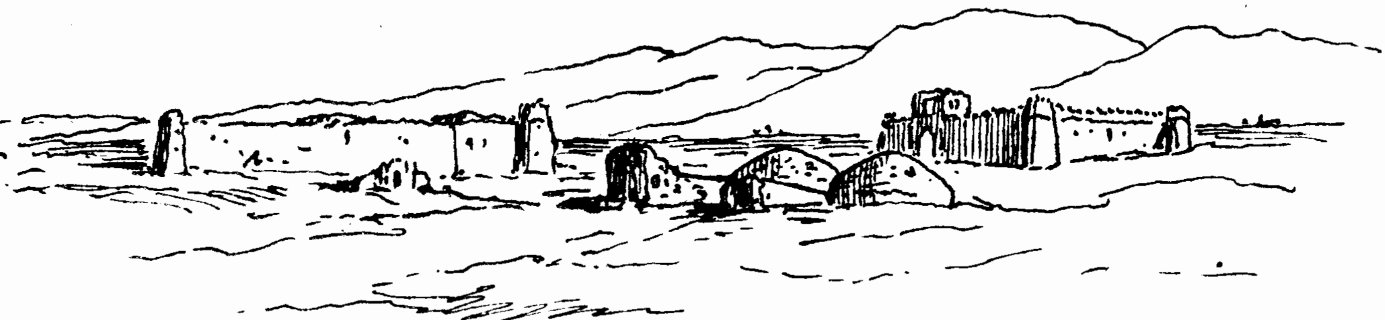

قافلان کوه
Kaflancou




Imam Zade Kassem
à 3 lieues de Téhéran

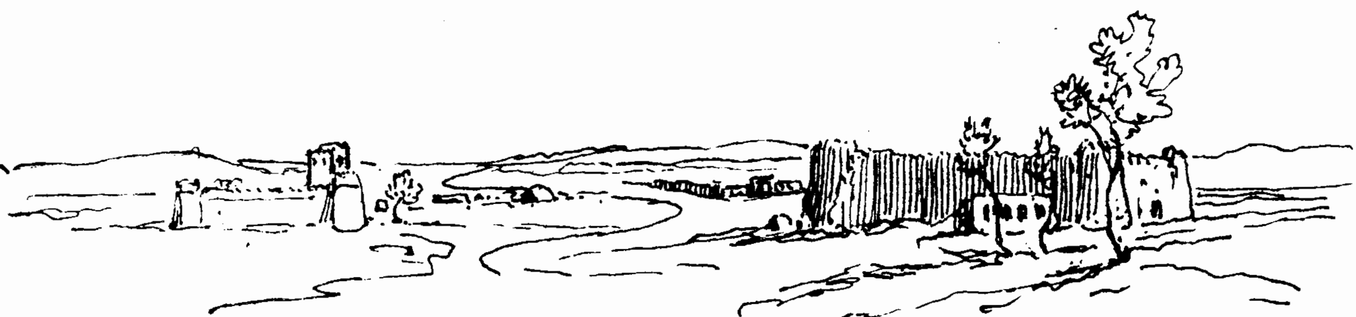
پاسنگان

Pazengan
route d'Ispahan



سن سن

Sinsin
route d'Ispahan.




tour de Rheï
Cha-abdul-azim .
position de Téhéran dans la plaine





قم

Kom.

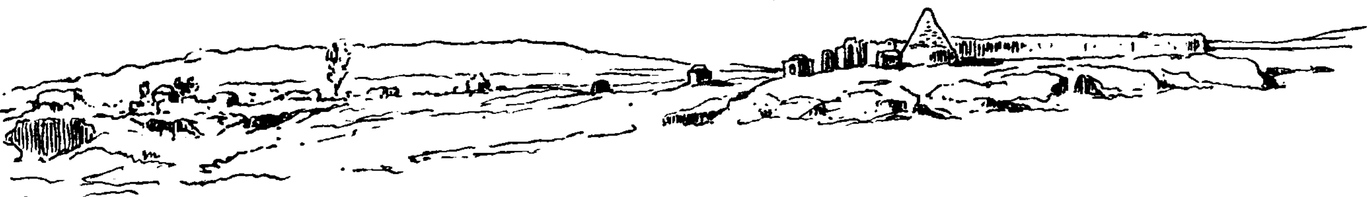


Imamzadé près Caschan.



كناره كرد

Kunariguerd. 1er relai de poste route d'Ispahan.



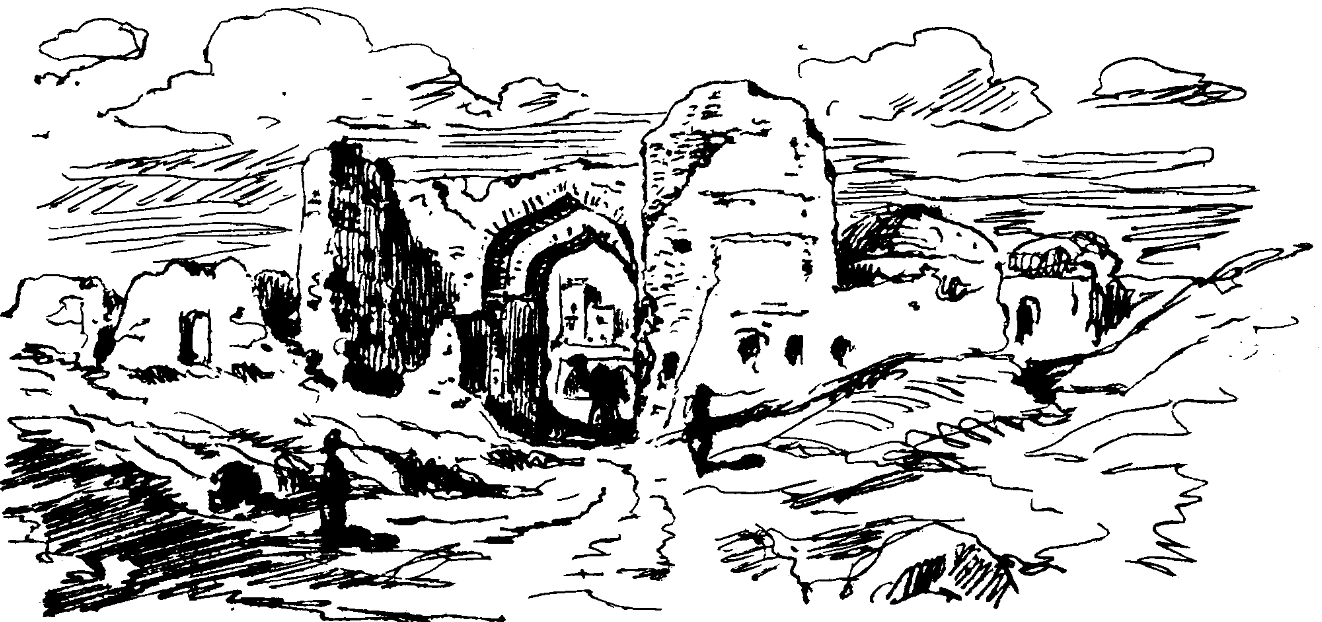
حوض سلطان

Haüze Sultan. 2e relai route d'Ispahan.

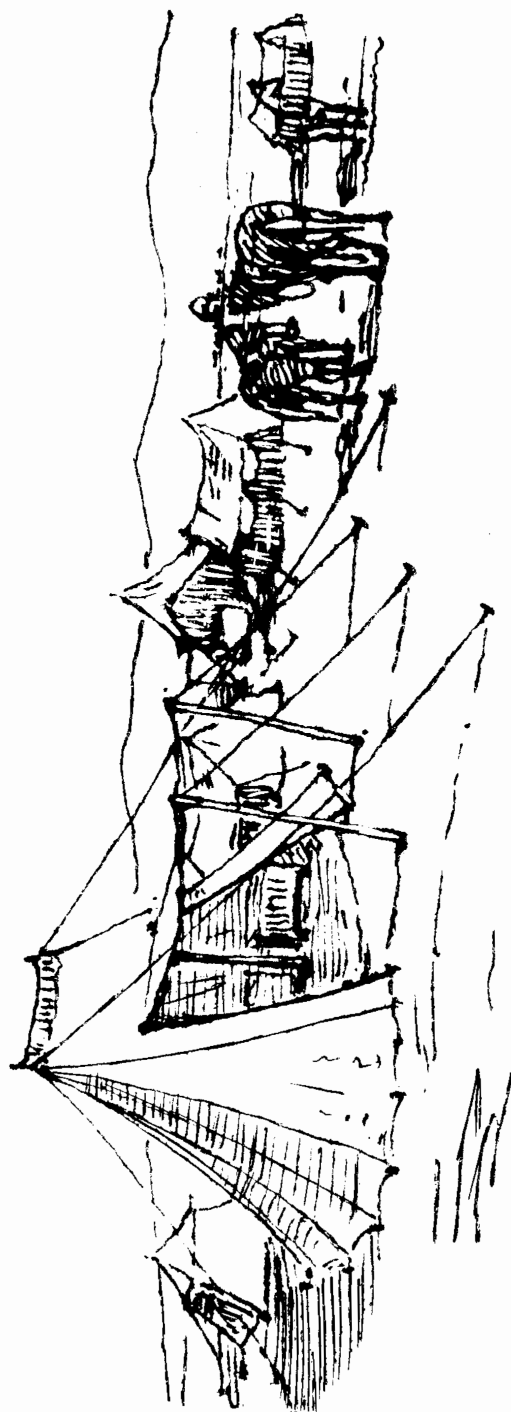


در میدان زنجان

Porte du Meïdan à Zengan

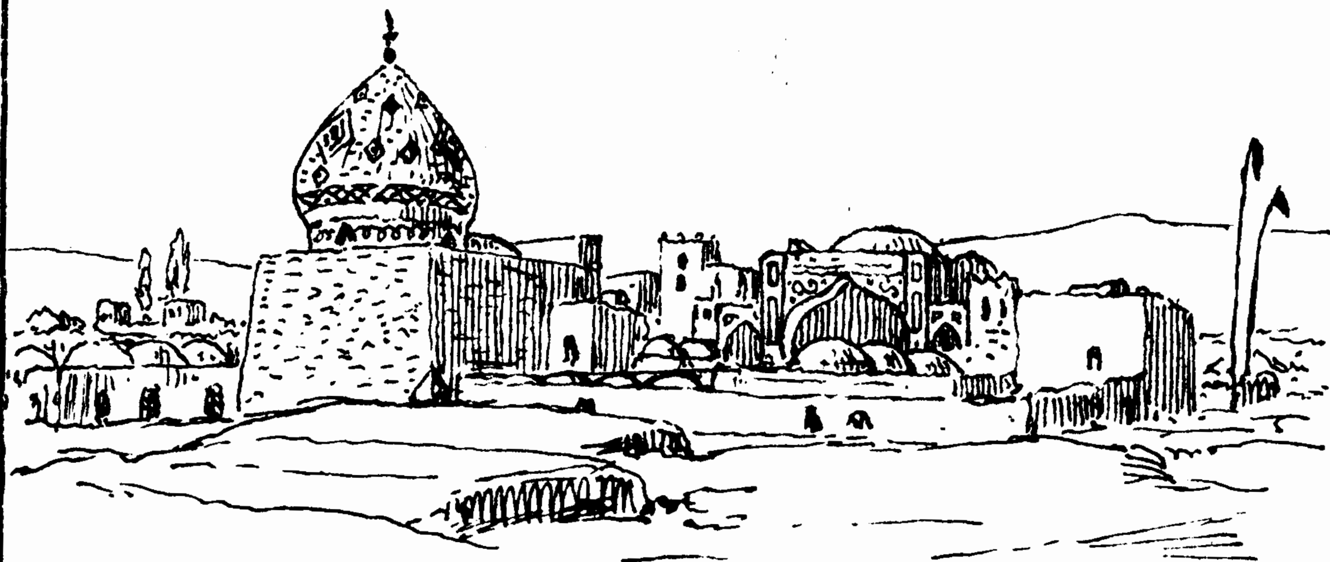


Tentes du Capitne Duhousset
au Camp de Sultanieh



مسجد زنگان

mosquée a Zenjan



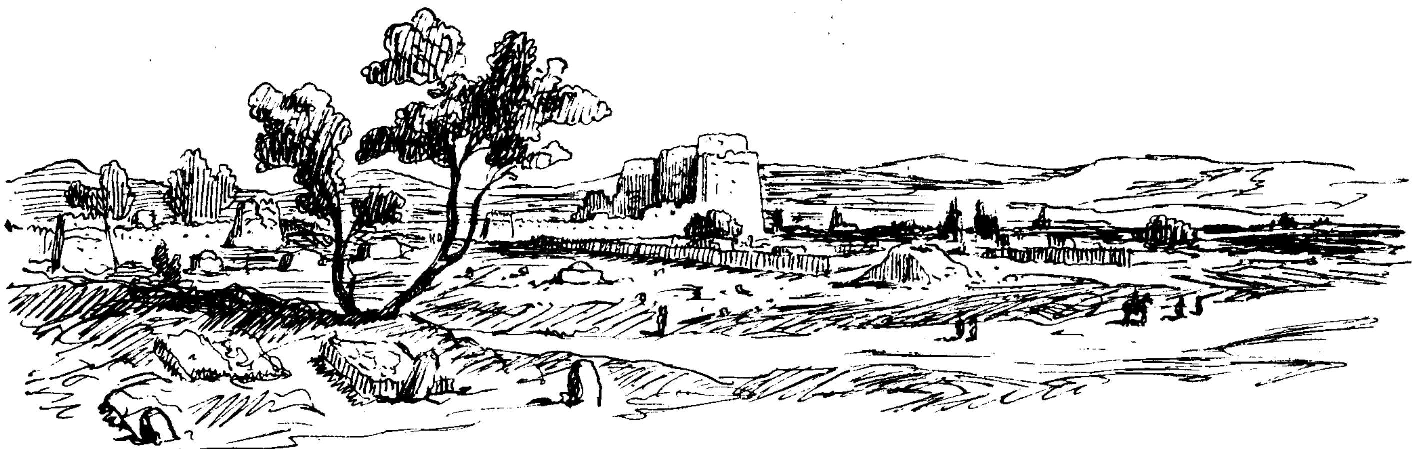
زنگان

Zenjan



ارک تبریز

Arx (Tébriz)



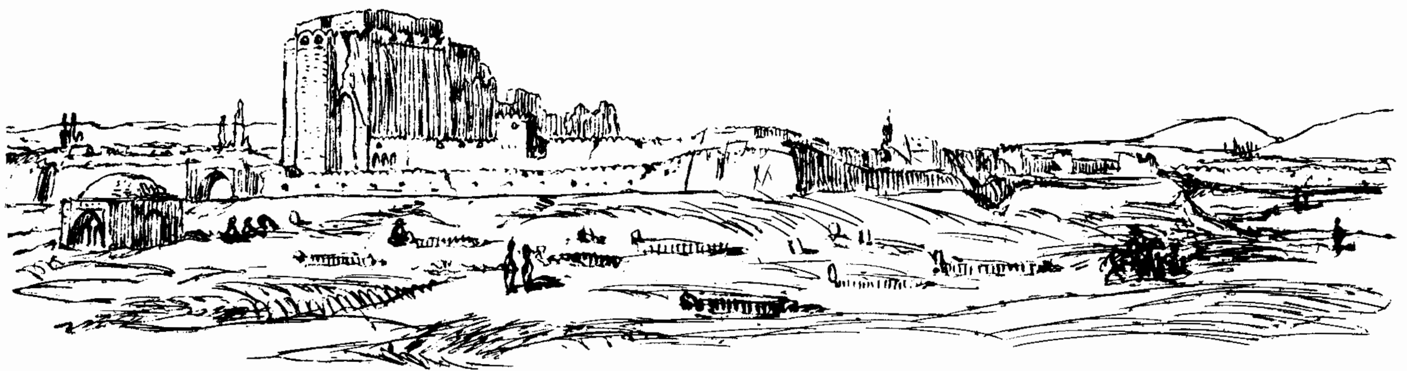
میدان کورپه سی در تبریز

Pont du Maïdan (Tébriz)



ارک

Arx. Citadelle de Tebriz.



کوی مسجد

Mosquée Bleue en ruines Tebriz



پل غزل اوزن

pont sur le Kizil-ouzen.



میانج

Mianeh



Kom



Kom



Campement du chargé d'affaire Français
au Camp de Sultanieh.



Campement de la Légation Anglaise
au Camp de Sultanieh



Murchakor. étape sur la route d'Ispahan.



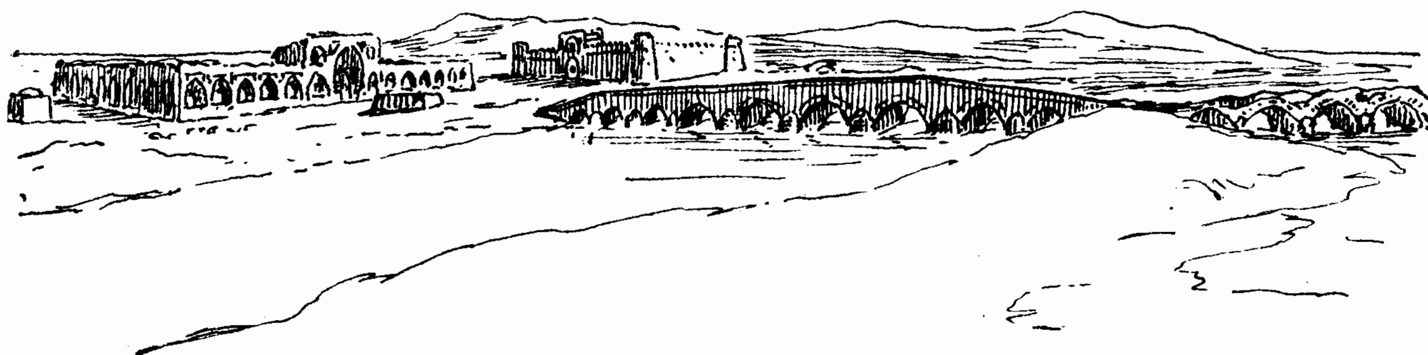
کاروانسرای حیدرآباد

Caravanserail sur la route.



پل دالاک

Pol Dellac 3e relai. route d'Ispahan



دروازهٔ قزوین

Porte de Casbin



دروازه نو

Porte Neuve



دروازهٔ شاهزاده عبدالعظیم

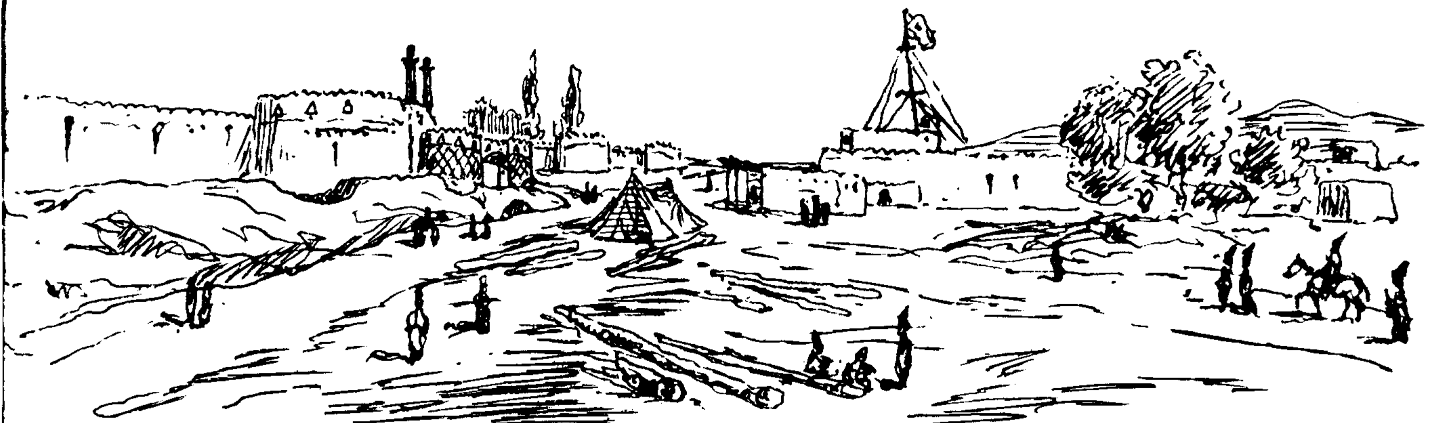
porte de Schahabdul.azim



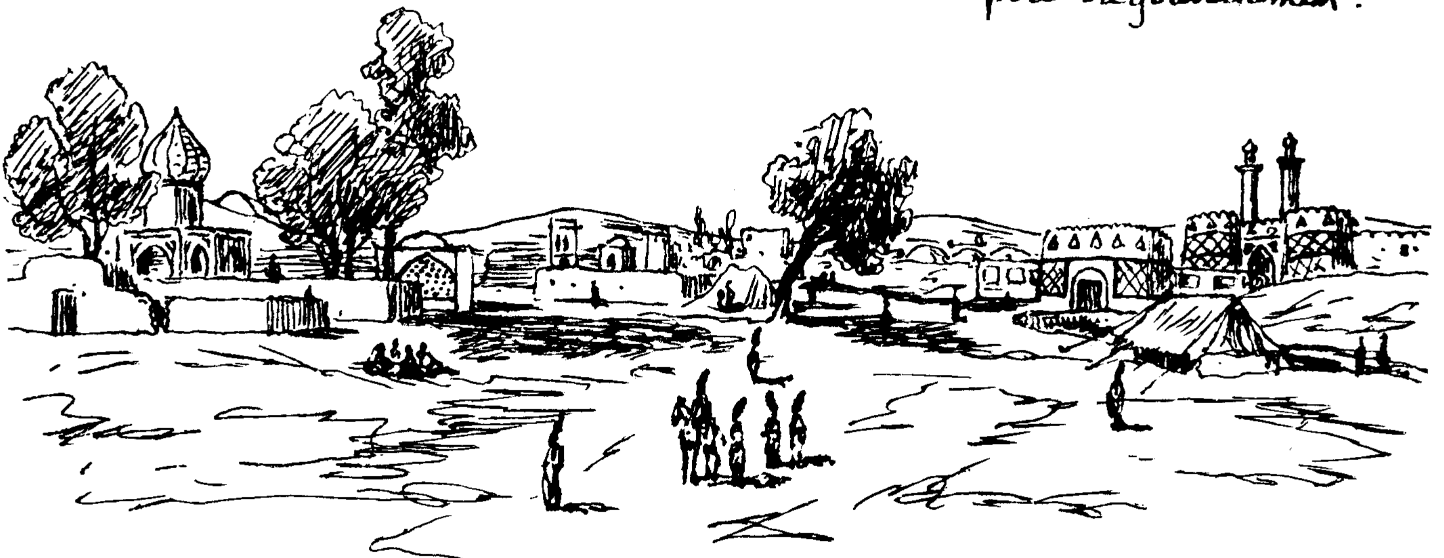
دروازه دولاب　　　　Porte Doulab

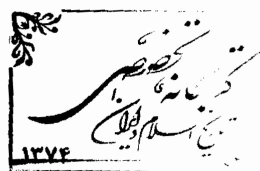


دروازه شمران　　　　porte Chimran



دروازه دولت　　　　porte du gouvernement.



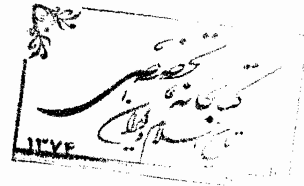




THE VOYAGE

TO

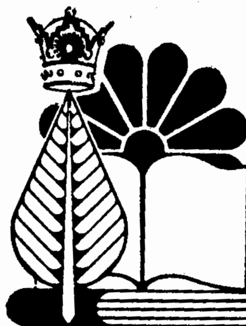
PERSIA



BY
L. E. DUHOUSSET

(1858-1860)

Collection
Manoutchehr Farman-Farmaian



IRANIAN CULTURE
Foundation
54